

همه فرداها منتظر می مانم

مجموعه شعر

نصوات الله كهتر

انتشارات روشن مهر

تهران، ۱۳۸۴

کهنر، نصرالله
 همه فرداها را منتظر می‌مانم: مجموعه شعر / نصرالله کهنر. -
 تهران: روشن مهر، ۱۳۸۳.
 ۲۱۲ ص.
 ISBN: 964-93900-8-1
 ۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. الف. عنوان.

۸ فا ۱ / ۶۲

ک ۸۷۹

۱۳۸۳

م ۸۳ - ۴۰۷۱۸

PIR

۸۱۸۴

۸ ه ۳۷ /

۱۳۸۳

همه فرداها منتظر می‌مانم

- مجموعه شعر: نصرالله کهنر
- ناشر: روشن مهر
- حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سید کاظمی)
- لیتوگرافی: نوید
- چاپ: کاج
- صحافی: یکتا
- چاپ اول: ۱۳۸۴
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- مرکز پخش: مؤسسه گسترش فرهنگ و مطالعات تلفن: ۸۷۹۴۲۱۸-۱۹
- قیمت: ۲۱۵۰ تومان
- شابک: ۹۶۴-۹۳۹۰۰-۸-۱
- ISBN: 964-93900-8-1
- حق چاپ و نشر محفوظ است

فهرست

مقدمه	۹	خوابهای من	۳۹
عابر	۱۱	هیچ کس برای هیچ کس نیست	۴۰
کوچ	۱۳	اعتماد	۴۱
مسلك پاک	۱۴	زخم زمانه	۴۲
شمشیرهای ابریشمی	۱۶	تردید	۴۳
به سفر باید رفت	۱۷	چراغ زرد	۴۴
خواب را تجربه کن	۱۸	بی خوابی	۴۵
زخم زبان	۲۰	بم	۴۶
تردید	۲۱	نزول فاجعه	۴۷
وعده	۲۲	قله نادانیها	۴۸
بیگانه یا آشنا	۲۳	موریانه های صداقت	۴۹
غرور	۲۴	فریب	۵۰
با خنده خورشید	۲۵	راه کدام است	۵۱
عصا	۲۶	خنجر از پشت زدن	۵۲
خط عمر	۲۷	ریشه در خاک	۵۳
انگشتهای من	۲۸	سهم من از عشق	۵۴
انتظار	۲۹	شبگرد	۵۶
دستها	۳۱	تلخ	۵۷
حدیث غم	۳۲	لحظه بیداری	۵۸
عروس شب	۳۴	هیچ کس مثل تو نیست	۵۹
ایمان	۳۵	در من	۶۰
شاید طلب کند مرا	۳۶	شب	۶۱
رقص باران	۳۷	رفتن	۶۲
کسوف	۳۸	دل من	۶۳

۹۹	خانہام — روی دیوارہ شب	۶۵	مشق شب
۱۰۰	با دلم حرف بزن	۶۶	ہدیۂ تلخ
۱۰۱	غافل	۶۷	یادہای تو
۱۰۲	ترس	۶۸	خواست تو
۱۰۳	تکامل	۶۹	محکوم
۱۰۴	سرگردان	۷۰	ہوای مہ گرفتہ
۱۰۵	بہانہ	۷۱	سایہ
۱۰۶	مرا حرمت دار	۷۲	دیرباور
۱۰۷	نیاز	۷۳	بن بست
۱۰۸	فصل تاراج	۷۴	صلیب
۱۰۹	نیت	۷۵	انتظار ظہور
۱۱۰	طعم ہوا	۷۶	خانہ تاریک است
۱۱۱	آئینہ	۷۷	باران نگاہت
۱۱۳	لبخندہایت را ارغوانی کن	۷۸	تجلی غرور
۱۱۴	احتیاج	۷۹	اگر
۱۱۵	سایۂ زرد	۸۰	سرنوشت
	ہمۂ شہایم رنگ پاییز بہ خود	۸۱	سایۂ مہربان
۱۱۶	می گیرد	۸۲	پل ویران شدہ
۱۱۷	رہایی	۸۳	غربت
۱۱۸	تلاقی	۸۴	خوی من...؟
۱۱۹	رفاقت	۸۵	خط افق
۱۲۰	مرگِ تدریجی	۸۶	مُرور
۱۲۱	پستوی دلِ من	۸۷	بندۂ ابلیس
۱۲۲	عطش	۸۸	دریاب مرا
۱۲۳	مرگ گل سرخ	۸۹	رسم عاشقی
۱۲۴	تو نمی دانستی	۹۰	مہمان ناخواندہ
۱۲۵	کاش	۹۱	انتظار باران
۱۲۶	بہ تو خواہم بخشید	۹۲	تابوت برگ
۱۲۷	در باورِ من	۹۳	ظرافت برگ
۱۲۸	سرسبز	۹۴	پرستوی خیال
۱۲۹	تو... خوب باش	۹۵	اندیشۂ پاک
۱۳۰	مہربانی	۹۶	بربادرفته
۱۳۲	عطسہ	۹۷	سکر پاییز
۱۳۳	راز من	۹۸	رفاقت با شب

۱۷۹	وهم	۱۲۵	تو به دنبال کهای؟
۱۸۰	هدیه	۱۳۶	بوی خاک
۱۸۱	شعور کلاغ	۱۳۸	تیشه فرهاد
۱۸۲	همسفر باد	۱۳۹	زندگی
۱۸۳	خانه تکانی	۱۴۲	رقص
۱۸۴	زندگی	۱۴۳	آرامش موقتی
۱۸۶	سایان	۱۴۴	همراه
۱۸۷	عقیم	۱۴۵	هوس
۱۸۸	التیام	۱۴۶	وحشت از تکرار
۱۸۹	سردی دست زمستانی تو	۱۴۷	ظهور
۱۹۰	درویش	۱۴۹	برای تو که... از همه خوب تری
۱۹۱	واژه	۱۵۱	رفاقت با نگاهت می کنم
۱۹۲	درد من	۱۵۳	بی وداع
۱۹۳	مهره ها	۱۵۴	دل می گه
۱۹۴	عصای مادر بزرگ	۱۵۶	با صدای نفس دستانت
۱۹۵	صبح را باور کن	۱۵۷	گر بیایی
۱۹۶	تا کجاها رفتم	۱۵۸	زندگی در پس کوچه عمر
۱۹۷	خلوت	۱۶۲	یاور خوب شب تنهایی
۱۹۸	عروسک	۱۶۴	قصه های کهنه
۱۹۹	تصور	۱۶۵	شناخت
۲۰۰	از پشت نیزار نگاه	۱۶۶	کاوه
۲۰۱	آخرین لحظه	۱۶۷	مزدوری
۲۰۲	سایه مهتاب	۱۶۸	پوسیدن از درون
۲۰۳	خسوف	۱۶۹	دل
۲۰۴	هم رنگ	۱۷۰	تجربه
۲۰۵	مرداب نگاه	۱۷۱	خانه من
۲۰۶	همیشه این چنین است	۱۷۲	شاید بدانی
۲۰۷	برادرم هابیل	۱۷۳	دست پاییز
۲۰۸	همه جا در گذری	۱۷۴	آخرین ایستگاه ترن عمر
۲۰۹	کجا	۱۷۵	فرستی نیست
۲۱۰	نور در ظلمت	۱۷۶	بی دشنه
۲۱۱	و... تمام	۱۷۷	ترا اصلاً نمی فهمم

مقدمه

شمس قیس رازی در کتاب المعجم شعر را منحنی موزون و مقفی تعریف می‌کند، اما بیانی که هم وزن داشته باشد و هم، قافیه به زعم سخنوران گرانقدر ادب فارسی، نظم است و نظم سنجشی است که دارای قافیه باشد و وزن هم یکی از مشخصات جداناپذیر آن.

نیما یوشیج هنگامی که سنت شکنی خود را آغاز کرد و ابعاد شعر کهن را در هم ریخت و مصارع را خارج از اندازه‌های شناخته شده و معهود، کوتاه و بلند کرد، بنا به ذوق سرشار خویش در هر نظر از یک تا چند فاعلاتن یا مفاعیلن را کنار هم نشانده تا مثلاً آی، آدمها... را برسرید، اما او هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد نواده‌های شعری او، کارش را تا بدین پایه تنوع بخشند؛ به طوری که امروزه روز، از پهلوی چپ شعر نیمایی نمونه‌های رنگ‌رنگ شعر زاد و ولد کرده‌اند و عنوانهای موج نو، شعر سپید، شعر حرکت و... را برای خود دست و پا نموده‌اند.

در این میان آن دسته از شاعرانی که در کل و اصل ماجرا به نیما وفادار ماندند و شعر را نه از سر تفتن بل از سر به جا گذاشتن اثری ماندگار دنبال می‌کردند، یک سر و گردن از دیگر شاعران زمان خود بالاتر باقی ماندند و بیرق شعر امروز را همچنان در اهتزاز نگه داشتند.

عاشقان شعر راستین، شعری که حرفی برای گفتن داشته باشد، شعری که خواننده را به دنبال خود بکشد و او را تشنه نگاه دارد، تا آخرین لحظه کامروایش کند، کم نیستند. اینان از شاعران، این رسولان راستین کلام و سخن می‌خواهند که ناپستند، کم نیاروند و اسب احساس و ذوق را زین کرده و تا چکاد اندیشه بتازند.

در این میان یکی از عزیزانی که سالها در سکوت معنوی خود، پویا و فعال، کار شعر را به طور جدی دنبال می‌نماید، نصرالله کهر است که احساس سرشار و طبعی ظریف دارد.

شعرهای کهنتر، شعرهای پشت چراغ خطرند. کوتاه و زیبا، شعرهایی که از خصیصه شعر خوب، یعنی ایجاز و اختصار و تخیل و عاطفه سرشارند. در مجموعه همه فرداها منتظر می‌مانم، شعرهای خوب به معنای نام و تمام کم نیستند؛ ولی برای دریافت کارهای کهنتر باید با او انس گرفت و با خُلقیات او آشنا شد تا اندیشه‌های پاکش در شعرهایش و در جای‌جای اولین دفتر کارهایش عیان گردد. برای نصرالله کهنتر، که شاعر لحظه‌های ناب و راوی صادق ثانیه‌های جاری زندگی است، آرزوی توفیق می‌کنیم و به انتظار روزی می‌نشینیم که آوای او را در کتابهای بعدی‌اش پیروزمندانه طنین‌انداز ببینیم.

همایون یزدان‌پور
بهار ۸۴ — شیراز